



مردم فلسطین زیر چنگال فاشیسم شارون

ایرج فرزاد

به این توحش
باید پایان داد!
صفحه ۴

اطلاعیه‌های

شماره ۱ و ۲

جمعی از مسئولین

و هم‌زمان

گردان شنوان

صفحات ۳ و ۴

ایسکرا

سرمدبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گبرو: ۲-۱۶۷۸۴۷۱

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

حکومت نظامی ارتش اسرائیل جلوگیری میکند و ملاقات با یاسر عرفات را همچنان درمقر تحت محاصره ممنوع اعلام کرده است.

این کشتار مردم و نقض و نفی آشکار حق مردم فلسطین و راه اندازی بساط اشغالگری و حکومت نظامی ارتش اسرائیل، از جانب جناب بوش حامی جنایتهای دولت نژاد پرست شارون مورد حمایت قرار گرفته است. بوش در اوج وقاحت و علیرغم جنایات آشکار ارتش اسرائیل و تروریسم عنان گسیخته آن، کماکان

صفحه ۲

بوش از آن، در چنین مواردی نشان میدهد که کارگرد مذهب و کلیسا و مسیح و موسی و محمد تحمیق و سرکوب مردم است و بطور درخود هیچ تقدسی برای حاکمان و حافظان استبداد و فاشیسم سرمایه داری ندارد. شهر نابلس نیز با ورود تانکها و پرواز هلیکوپترهای جنگی به محاصره و اشغال ارتش اسرائیل در آمده است. به این ترتیب ارتش اسرائیل بجز دو شهر الخلیل و اریحا تمامی شهرهای اصلی کرانه غربی رود اردن را به اشغال نظامی درآورده اند. شارون کماکان از ورود نمایندگان اروپای واحد به شهرهای تحت

شهر میگوید: نیروهای ارتش اسرائیل از ورود امدادگران بین المللی به شهر جلوگیری میکنند و اجساد قربانیان تجاوز ارتش اسرائیل در خیابانها رها شده و زخمیها تا هنگام مرگ دست و پا میزنند و خونریزی میکنند." در همین شهر دویست فلسطینی که به یک کلیسا پناه برده‌اند و گفته میشود این کلیسا محل تولد "عیس مسیح" نیز هست، در اوضاع اسفناکی بسر میبرند، نیروهای ارتش اسرائیل کلیسا را محاصره کرده و زیر باران تیراندازی قرار داده و در خروجی پشت کلیسا را منفجر کرده اند. منفعت فاشیسم شارون و حمایت

محاصره شهر رام الله در فلسطین توسط ارتش تحت فرمان شارون فاشیست وارد هفتمین روز خود شد. ۲۵۰ هزار نفر ساکنین این شهر به دلیل برقراری حکومت نظامی توسط ارتش اسرائیل قادر به خروج از منازل خود نیستند. نیروهای ارتش اشغالگر اسرائیل حتی از ورود فعالین سازمانهای صلح دوست جلوگیری میکنند و یک فاجعه انسانی مردم این شهر را در معرض تهدید جدی قرار داده است. شهر بیت لحم وضع بهتری ندارد. "حننا ناصر" شهردار

سخنی با دانشجویان دانشگاههای کردستان (پیرامون جنبش "نوین" فرهنگی)

نشریه دانشجویان منتشر میشوند. از نظر مطالب و محتوی این نشریات، تنها فرقی که با نشریات دیگر اسلامی و دانشجویی مانند اشراق اندیش و شاهد جوان دارند، اینست که در هر یک از آنها چند مطلبی با زبان کردی چاپ شده است. و ظاهراً این آن چیزی است که احزاب کردی و قوم پرست را مجاب کرده تا لبیک سر دهند. راستش من فکر نمیکنم کسی بی غرض و مرض بدون سهم منافع در این پروژه اسلامی بعد از ۲۳ سال حاکمیت خونین جمهوری اسلامی پیدا شود و چند روزی از عمرش را تحت حاکمیت این جنایتکاران سپری کرده باشد و هنوز متوهم باقی مانده باشد. اسلام و جمهوری اسلامی در این بیست و چند سال جایگاهی جز نفرت در دل

صفحه ۲

نشریات و چند ساعتی برنامه رادیو و تلویزیون که به زبان کردی پخش میشود مخلصه شده است. که من این مجموعه را در حد امکان بدقت تعقیب کرده ام. مهمترین آن که در سطح عمومیت به چشم میخورد عبارتند از کانال سحر تا برنامه های محلی رادیو تا گاه نامه های سیروان و آیدر و مجلات سروه و کردستان(ارگان انیستیتو کردهای مقیم مرکز به رهبری بهرام ولدببگی از بازجوها و فعالین سازمان مخوف و اطلاعات در کرمانشاه و غرب کشور در سالهای ۶۰ تا ۶۷). البته در سطح دانشگاه یا حداقل به این اسم میتوان برای نمونه از روانگه، ژوان، زرببار، مکریان و... نام برد که تحت عنوان

۶۷ و طراحان سرکوب آزادیهای مردم، برای نجات اسلامشان در مقابل مردم پیا خاسته، در راس مجموعه ای تحركات معنی دار زیر تیتر «جنبش نوین فرهنگی» قرار گرفته اند. در این رابطه جریانات ناسیونالیستی کرد به شعف آمده اند، نوید «تغییر» در اسلام و فرهنگ اسلامی - کردی را جار میزنند. حزب دمکرات کردستان و سازمان زحمتکشان مهدی این تحركات را بدرستی خودی قلمداد میکنند. آترا به عنوان بخشی از آن جنبش فعالیتها میداند که به آن نیازمندند، و بهمین دلیل به آن آویزان شده اند. آنچه را جنبش نوین فرهنگی در کردستان مینامند، از طریق مجموعه ای



عبدالله شریفی

دوستان عزیز! خودتان خوب میدانید که چند سالی است فرماندهان دیروز لشکرکشیهای اسلامی به کردستان، جلاان و بازجوها، شکنجه گران سالهای ۶۰ تا

سخنی با دانشجویان

مردم کردستان نداشته و ندارد، حالا چگونه ممکن است اسلام با مخالفت کردی بتواند جایی پیدا کند؟!

اجازه بدهید اکنون با اختصار به محتوی این «اسلام به کردی» بپردازم. نظام اسلامی برای سرکوب انقلاب ۵۷ برای سرکوب جنبش کارگری، جنبش برابری طلب زن و مرد، جنبش آزادی کامل بیبان و تجمع و تشکل جنبش حقوقهای مدنی و در یک کلام جنبش چپ که میرفت نه تنها نظام شاهنشاهی بلکه با کل نظام سرمایه داری تعیین تکلیف کند به میدانش کشیدند. خمینی را از کنج مساجد و مشاغل طهارت و توضیح المسائلش به رهبری رساندند و هزاران لمین و قداره بند را تا دندان مسلح کردند و پشت سر «رهبر» و بر دوش رهبران جبهه ملی و توده و اکثریت و با اتکا به کشتار، زندان و شکنجه به جان آزادیخواهان جامعه انداختند و با تمام توانشان انقلاب مردم را سرکوب کردند. موج برگشت مردم آزادیخواه و نسلی جدید با خواستن کامل اسلام به میدان برگشتند، سران اسلامی به فکر نجات افتادند، این تحركات «فرهنگی» بر این بستر و در امتداد این سرکوبگری خونین معنی پیدا میکند. رهبرانش همانها هستند تنها اونفورمها را عوض کرده اند. حالا دیگر همه میدانند که جمهوری اسلامی همانگونه در بحران علاج ناپذیر اقتصادی و سیاسی دست و پا میزنند در بحران بی درمان فرهنگی هم غرق است. اکنون بر کسی پوشیده نیست که مردم

آزادیخواه ایران و کردستان در تقابل با نظام اسلامی چگونه زندگی و فرهنگ را میخواهند. فرهنگ دلخواه این مردم، فرهنگ زندگی آزاد و سرشار از نعمات تولید شده دست خودشان میباشد. فرهنگ اسلام با هر زبانی که ترجمه شود چیزی جز خون، عزا، کشتار و ضد شادی، ضد زن، ضد انسان و ضد کل زندگی نیست. نمیتوان قوانین ارتجاعی ۱۴۰۰ قبل با انواع ارتجاع مردسالاری و ضد تمدن را بزرگ کرد و با زبانی دیگر بخورد مردم داد، کسی که اینهمه بی مایه باشد نه تنها به ریشش میخندند بلکه در مقابلش می ایستند. نمیشود از اسارت و فرودستی زنان نوشت و راجع به زن گرفتن دختران خردسال (۹ ساله) این پدوفیلسم قانونی و شرعی اسلامی، به حکم اینکه با زبانی دیگر نوشته میشود ضد زن نبود و تبرئه شد. نمیشود اندر خواص ختنه دختران و جداسازی جنسی به کردی نوشت و چیزی غیر از نفرت تحویل گرفت. انتظار دارند به نقل از قرآن و قانون اساسی جمهوری اسلامی از حقوق کودک و حق شهروند و کارگر بنویسند، بگویند و برایشان کف بزنند! اینکه حزب دمکرات و جریان قوم پرست سازمان زحمتکشان پشت سر این هیاهو راه افتاده اند مسئله ای تازه و عجیب نیست. حزب دمکرات به مثابه حزب با ثباتتر جنبش کردایتی از پاریس تا تهران به خمینی لبیک گفت، قبولش نکردند، به دولت بازرگان رای داد، جوابش ندادند به بنی صدر و شورای ملی مقاومت آویزان شد بیرونش کردند، در حالیکه جمهوری اسلامی به وسعت کردستان کشت

قتل عام کرد و باروت و بمب بر سر مردم باراند هنوز رهبران حزب دمکرات در انتظار «عظوفت و رحمت» اسلام بودند. در رکاب دوم خرداد هم کم سابقه نیستند، هنوز آثار آوار درهم ریخته دوم خرداد را بدوش میکشند. در مضحکه انتخابات مجلس ششم اسلامی و «شوراهای اسلامی سنگ تمام گذاشتند، باز چیزی عایدشان نشد. برای استراژی و تاکتیک همیشگی خودشان که همانا ساخت و پاخت از بالا، در قدرت سهیم شدن، به کدخدای گمارده شدن باشد، رهبرانشان را قربانی کردند. اکنون هم با این افق، چه پوشیده و چه عیان به جناحی از حاکمان اسلامی چشم امید دوخته اند. در فواید «جنبش توین فرهنگی» مداحی کردند، البته بنا به «تیز هوشی و درایت» باید چشمی هم به ناسیونالیسم ایرانی عظمت طلب پرو غرب دارند تا بشود در فرصت مناسب مقبول این اردو و غرب واقع شوند، این را به عنوان سیاسی بودن به مصرف درون حزبی و درون جنبشی تبدیل کرده اند و «مواظب هستند این بار کلاه سرشان نرود و چپ در کردستان تقویت نشود و به قول خودشان به کردستان راه باز نکنند! این رموس سیاست این حزب در جواب به مسائل پر پیچ و تاب سیاسی امروز است! و فعلا در این سیرکل خسته کننده سرگردان میچرخند. گوشه دیگر مرکز فعالیت این جنبش فرهنگی احزاب حاکم اسلامی و کردی در کردستان عراق هستند خود به کانون فعالیتهای زن کشی و کمونیست کشی و ضد آزادی و ترور و... تبدیل شده است.

این جنبش اسلامی - ملی، از آنهایشان که در حکومتند تا آنهایی که در این تب میسوزند و بیرون نگهداشته شده اند، مطرحهایشان و پلاتفرمهایشان، گفتارشان و تبیینشان روز به روز به هم نزدیکتر میشود، خیل سیاستمدار و ادبا و نخبگانشان ریشه مشترک دارند، ادبا و «عقلایشان» ضد زن، شرقی و از نظر تفکر به دورانهای پیشین تعلق دارند. هه ژار، آل احمد شان است. روستا با ساختار فئودالی منبع تغذیه سیاسی و مدلی است که به آن چشم دوخته اند بر این پایه تعصب کور و ضد آزادی و متحجر اخلاقی جنبش کردایتی را شکل داده اند. شدیداً ضد کمونیست و ضد کارگردن. و در مقابل تمدن غرب و فرهنگی که زن را «پرو» میکند میایستند، کودک وسیله ای برای کمک به پرورش احشام است، شیخ و تکایا در تفکر اینها از بدو تولدشان جایگاه مقدس داشته است. این خیل متعلق به آینده نیستند در گذشته زمین گیر شده اند و دارند گذشته پر از نابرابر را برای مردم (نه برای نخبگان خود)، به آرمان تبدیل میکنند. از در هم آمیختگی هنر و فرهنگ با زندگی امروز و با توقعات امروزه ومدافعان تمدن شایسته انسان معاصر «شیطان» میسازند. از نظر واقعیات با نسل جدید جامعه به تعارض آشتی ناپذیری افتاده اند. از نظر سیاست روز، بی استدال و عقب مانده هستند، برای بهبود زندگی مردم حتی تغییرات میلیمتری هم، طرحی ندارند. کلی گویی میکنند، شعارهای پوچ سر میدهند. پلاتفرمهایشان ره گشای زندگی کسی نیست بلکه فرمولهای برای

سازش از بالا و تسلط بر سرنوشت مردم است. چیزی بیشتر از «فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی» برای مردم کرد در چنته ندارند. به مصاحبه بها ادب در نشریه روانگه شماره ۷ و مقاله خالد توکلی در همان نشریه نگاه کنید و نوشته جات اخیر حزب دمکرات را تعقیب کنید تا قرابت مشهود را بیابید. به نوشته «زن در آیین قانون اساسی و حقوق بشر از لاین قاضی» مندرج در نشریه مکریان شماره ۱ بنگرید و آنرا با پیام حزب دمکرات به مناسبت ۸ مارس مقایسه کنید، و خودتان قضاوت کنید. فرهنگ لمپنی فاشیستی باند مهتدی در سایت بروسکه علیه کمونیسم و برابری طلبی و حزب کمونیست کارگری را با نوشته علی خزری به نام «چون کردی بلد نیست» در همان شماره مکریان وزن کنید تا به صحت و سقم همجنس بودن این جنبش و شاخه هایش بیشتر پی ببرید. مذهب به طور کلی و اسلام مخصوصاً از طرف خود روند زندگی امروزه نقد شده است و کهنه و دست پا گیر و ضد زندگی شده است. و پدیده ای است زائد و بودنش آنهم در حاکمیت با هر رنگ و مزه ای چیزی جز جمهوری اسلامی ایران و طالبان نیست. محیط دانشگاه و دانشجو اما، همیشه با علم و مدرنیسم تداعی شده است. مبارزه با این دسته جات «فرهنگی» در این محیط بخشی از مبارزه علیه نظام اسلامی است. فعالیت فرهنگی، رشد عرصه های هنری، فیلم، ادبیات، موزیک و ... با موجودیت جمهوری اسلامی

فاشیسم شارون

مردم فلسطین را بانی تروریسم و عامل اوضاع معرفی کرده است.

رژیم اسلامی ایران که دخالت در اوضاع فلسطین را از طریق کمک به جریانات حزب الهی و اسلامی یکی از محورهای ابقای خود در حکومت بر مردم ایران تعریف کرده است عامل دیگر و جز مکمل فاشیسم شارون و ارتش اسرائیل است. رژیم جمهوری

اسلامی، سرنوشت مردم فلسطین را از طریق کمک به عملیات انتحاری علیه شهروندان غیر نظامی اسرائیل بعنوان عامل فشاری برای ابقا و حفظ اسلام سیاسی در قدرت، با تمام نیرو به بازی گرفته است و در کار صلح و برسمیت شناسی دولت فلسطین اخلال میکند. رژیم اسلامی محرک و مشوق نیروهای اسلامی و یکی از عوامل اصلی بی ثباتی در خاورمیانه و فلسطین و همزاد اسلامی دولت

قومی مذهبی نژاد پرست شارون است. جمهوری اسلامی بر بستر جنایات و اشغالگریهای ارتش اسرائیل و نقض و نفی حق مردم فلسطین برای داشتن کشور و دولت و سرزمین خود آتش بیار و تحریک کننده عملیات انتقامجویانه و کور تروریستی در منطقه است. تا فاشیسم شارون و حمایت دولت بوش از آن ادامه یابد و تا زمانی که جمهوری اسلامی در میدانی که حکومت بوش و

ارتش شارون برایش مهیا کرده اند، در سرنوشت مردم فلسطین و اوضاع خاورمیانه به دخالتهای خود ادامه دهند، این اوضاع فلاکتبار و این صحنه های فجیع قتل و کشتار مردم فلسطین و اسرائیل ادامه خواهد یافت. جنبش صلح طلبی مردم اسرائیل همراه با تصمیم و اراده مردم فلسطین برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خویش و ایجاد دولت مستقل فلسطین با همراهی و حمایت بین المللی مردم آزادیخواه

در سراسر جهان باید بتواند، سه محور و سه بنیان تروریسم و ناامنی و فضای رعب و وحشت در خاورمیانه و فلسطین یعنی دولت نژاد پرست شارون، حمایت بوش از آن و دخالتگری جمهوری اسلامی را از دخالتگریهای قلدرمنشانه باز دارد. ایجاد و برسمیت شناسی دولت فلسطین و خروج نیروهای اشغالگر ارتش شارون، کلید و نقطه شروع صلح و دفاع از حق حیات و زندگی مردم منطقه است. □

اطلاعیه شماره ۱ جمعی از مسئولین و همزمان گردان شوان

اهداف کمونیستی و محبوبیت جانباختگان گردان شوان قابل مصادره نیست

نمیگذاریم روز جان باختن

کمونیستهای گردان شوان

توسط جریان فدرالیست

ضد کمونیست غصب شود

گردان شوان یکی از شناخته شده ترین و محبوبترین گردانهای مسلح سازمان کردستان حزب کمونیست ایران-کومله و تشکیلات ناحیه سنندج آن بود. متأسفانه ۷۰ نفر از نیروهای این گردان در یک نبرد نابرابر با نیروهای جمهوری اسلامی در نزدیکی شهر حلبچه روز ۲۷ اسفند ماه سال ۱۳۶۷ همزمان با بمباران شیمیایی این شهر جان باختند. یاد این همزمان جانباخته را هر ساله گرامی میداریم.

امسال باند انشعابی از کومله (سازمان زحمتکشان) به خود جرات داده و آنطور که روش آنهاست با زیر پا نهادن هر نرم متداول و متعارف سیاسی و اخلاقی طی اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۸۰ روز جانباختن ۷۰ کمونیست برجسته و محبوب گردان شوان را روز "جانباختگان سازمان" خود تحت نام "جانباختگان کومله" اعلام کرده‌اند. این اقدام آنها جرم است. این جعل تاریخ و سرقت اهداف کمونیستی و محبوبیت کمونیستهای گردان شوان و تلاش برای مصادره آن به نفع یک جریان فدرالیست، قوم پرست و فاشیست تازه پاگرفته

است. تجربه اینمدت نشان داده این جریان به هر قیمت و با سرقت سیاسی و توطئه‌گری و حرکات باند سیاهی، موجودیت خود را بنا کرده است. ما جمعی از بازماندگان و همزمان گردان شوان کسانی که جزو فرماندهی و مسئولین سیاسی و کادرهای گردان شوان بوده‌ایم، علیه این سرقت آشکار سیاسی و این تعرض به اهداف و آرمانهای کمونیستی گردان شوان می‌ایستیم و به این منظور کمیته‌ای را اعلام میکنیم. به دلایل غیر قابل انکاری اهداف و سیمای سیاسی گردان شوان در نقطه مقابل پدیده ارتجاعی است که عنوان "کومله زحمتکشان" را بر خود نهاده است.

اعضای گردان شوان با اعتقاد به پیروزی کمونیسم حول برنامه کمونیستی متشکل شده بودند. اعضا و فعالین گردان شوان کمونیستهایی بودند که در معرض تقابل با جمهوری اسلامی و با مبارزه و نقد دیگر گرایش‌های ارتجاعی و سنتی در کردستان و با جنگی بی امان علیه ناسیونالیسم کرد نقش قابل توجهی در پیشرفت آن حزب در کردستان را بردوش گرفتند. فعالین و کادرهای این گردان چه هنگام تبلیغ و ترویج ایده

های کمونیستی و چه در میدان جنگ با جمهوری اسلامی و مرتجعین منطقه و ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات جایگاه خاصی در میان مردم کردستان پیدا کردند. اکنون بعد از ۱۴ سال که از این واقعه میگذرد جریانی که خود را "کومله زحمتکشان" میخواند، بدنیاال سرقت اسم کومله، این بار در صدد سو استفاده از اعتبار و احترامی است که مردم نسبت به جانباختگان کمونیست گردان شوان دارند. اعضای گردان شوان کادرها و اعضای حزب کمونیستی بودند که در آن مقطع کمونیسم رادیکال ایران را نمایندگی میکرد، از خط مشی کمونیستی و کارگری کنگره دوم حزب کمونیست ایران الهام گرفته بودند. هر انسان منصف و مطلع میتواند به آسانی قضاوت کند که افق و اهداف و سیاست مبارزین کمونیست گردان شوان چه اندازه در تقابل با ناسیونالیسم و فدرالیسم و قومپرستی بود که امروز پلاتفرم و سیمای سیاسی "سازمان زحمتکشان" را تشکیل میدهد. جمهوری اسلامی با گرفتن جان مبارزین گردان شوان جرم بزرگی را مرتکب شد. "سازمان زحمتکشان" با گرفتن آرمان و اهداف والای آنها جرم دیگری را علیه این عزیزان مرتکب میشود. محبوبیت جانباختگان گردان شوان بدلیل مبارزه افتخار آمیز آنها با رژیم سرمایه اسلامی و در تقابل مستمر با عقب ماندگی و ارتجاع ناسیونالیستی و بخاطر دفاع از انسانیت و جهانشمولی

حقوق انسان، دفاع از حقوق کارگران و زنان و مردم زحمتکش و برای ایجاد تغییرات رادیکال و انقلابی در زندگی اجتماعی مردم به دست آمده بود. علاوه بر خط مشی و اهداف سیاسی، از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی و تقویمی و قانونی هم جانباختگان گردان شوان ربطی به گذشته و حال "سازمان انقلابی زحمتکشان" مورد نظر باند ایدلخانی - مهتدی ندارند. این عزیزان عضو حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن حزب بودند که باند زحمتکشان موجودیت خود را بر نرفی پیدایش این پدیده و نفرت از سازندگان آن بنا کرده‌است. این واقعیات روشنتر از آن است که کسی بتواند انکارش کند. جریان زحمتکشان باید بداند که ما اجازه نمیدهیم تاریخ یک نسل از کمونیستهای آن دوره را که خود مستقیماً در بطن آن بوده‌ایم، به دلخواه خود جعل کنند. این تاریخ پر افتخار برای جریانی مرتجع و فدرالیست و باند سیاهی دست ساز اتحادیه میهنی قابل مصادره نیست. به این دلایل این سرقت سیاسی و این دستبرد باید خنثی شود و ما تعدادی از فرماندهان و مسئولین وقت گردان شوان و ناحیه سنندج، بازماندگان و همسنگران جانباختگان عزیز این گردان در این راه تلاش میکنیم. ما از جریان‌های چپ و انسانهای آزادیخواه و کمونیست که برای حقیقت و حقایق احترامی قائلند، از همه انسانهایی که دورانی در

حزب کمونیست ایران و کومله بوده و کماکان بر کمونیسم پافشاری میکنند، از طیف وسیع فعالین و رفقای کمونیسم کارگری که به روشنی در جریان این وقایع بوده‌اند و از هم نسل و همزمان و از خانواده جانباختگان گردان شوان میخواهیم از کمپین ما حمایت کنند. نباید اجازه داد، اهداف انسانی و تاریخ و سابقه کمونیستهای برجسته گردان شوان به نام جریانی فدرالیست، قومپرست و فاشیست ثبت شود

- ۱- محمد آسنگران: عضو کمیته ناحیه وقت سنندج و مسئول سیاسی گردان شوان
- ۲- جلال برخوردار (جلال کاکي فرج): معاون فرمانده گردان شوان
- ۳- خالد علی پناه: فرمانده یکی از واحدهای گردان شوان
- ۴- سرنین رمضانعلی: مسئول سیاسی یکی از واحدهای گردان شوان
- ۵- عبدالله صید مرادی: مسئول سیاسی یکی از واحدهای گردان شوان

تلفن تماس

۰۰۴۹ _ ۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

ای مایل محمد آسنگران
Asangaran@aol.comای مایل جلال برخوردار
jbarkh@connection.com

۱۱ فروردین ۱۳۸۰

۳۱ مارس ۲۰۰۲

سخنی با

دانشجویان

قطعاً ممکن نیست. شرط او هر بهبودی در جامعه ایران بزیور کشیدن این رژیم است. حضور جنبش عظیم ضد مذهب و سکولار، مردم به میدان آمده در ابعاد وسیع میتوانند این کار را به سرانجام برسانند. همه و حتی خود سران رژیم هم میدانند که رفتنی هستند.

اما بعد چه؟؟ تعیین تکلیف نهایی در ایران و به زعم آن در کردستان در دور آتی حیات سیاسی جامعه بین دو اردوگاه کمونیسم کارگری و ناسیونالیسم خواهد بود. تازه دیگر ناسیونالیسم تاریخاً و عملاً مبشر هیچ تحول مثبتی در جامعه نیست. از وضع ناپسامان موجود دفاع میکند. این چند سال اخیر شاهد گویای این ادعا است. در این عصر

تحولات و تغییر مشیت، ماکسیمالیست بودن، دفاع از حقوق مدنی، دفاع و استقرار آزادیهای وسیع و بی قید و شرط سیاسی، برابری کامل زن و مرد، لغو کار مزدی، دخالت مردم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود و تساط انسان بر مقدرات اقتصادی ... به ضروریات حیات جامعه تبدیل شده است. جامعه بیشتر از هر

دوره ای نیاز به تغییرات بنیادی دارد. این امیال و خواستههای انسانی تنها و تنها در جامعه سوسیالیستی کارگران ممکن است. و استقرار این جامعه انسانی ممکن و ضروری است. برای رسیدن به این مهم باید انتخاب سیاسی کرد. پراتیک امروز ما سرنوشت فردایمان را رقم میزند، انتخاب سیاسی امروز، مسیر تاریخ یک دوره از زندگی

انسانهای فراوانی را میسازد. به خاطر رسیدن و تضمین آزادیهای گسترده سیاسی و مدنی، به خاطر حقوق کارگر، زن، کودک و برای جامعه ای شاد و مرفه، به خاطر فرهنگ انسانی و رشد ادبیات و شعر و هنر و زیباییهای زندگی و.. باید حزب کمونیست کارگری را انتخاب کرد

۲۸ مارس ۲۰۰۲ □

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به این توحش باید پایان داد!

اشغال و به خاک و خون کشیدن دوباره فلسطین انزجار و نفرت مردم آزادیخواه جهان و مردم صلح طلب اسرائیل را برانگیخته است. دستگیری پسران و مردان ۱۴ تا ۴۰ ساله، اشغال و تخریب محل اقامت یاسر عرفات، اعدامهای مخفیانه، به گروگان گرفتن معیشت و آذوقه روزانه و داروی مردم محروم و فقیر، غارت بانکها، تخریب مراکز تجاری و ساختارهای اقتصادی جامعه، اشغال بیمارستانها، گوشه‌های از سیاست اخیر دولت فاشیستی و نژادپرست اسرائیل به رهبری آریل شارون است. تصویر صف جوانانی که شماره اسارتشان بر بازویشان مهر شده، قلب مردم جهان را فشرده است. همه این فجایع در مقابل چشمان بشریت، در مقابل دوربینهای خبرگزاریهای بین‌المللی، انجام میگیرد.

این اقدامات دولت اسرائیل، در کنار عملیات انتحاری اسلامیهستار و کشتار مردم غیر نظامی اسرائیل، خاورمیانه را در آستانه یک انفجار و جنگ همه جانبه قرار داده است. مسبب این وضعیت در درجه اول و بطور مستقیم دولت نژادپرست اسرائیل است. شیرازه جامعه فلسطین از هم گسیخته و تباهی و فقر و استیصال بر مردم حاکم شده است. شارون و دولت اسرائیل مصممند تا پروسه صلح را به نابودی و شکست کامل بکشانند. دولت اسرائیل میکوشد به بهانه امنیت اسرائیل مردم فلسطین را به ذلت و خواری و تسلیم وادار کند. سیاستی که علاوه بر محتوای ضد انسانی‌اش، بارها شکستش به اثبات رسیده است. دولت آمریکا در تمام این فجایع

و بیش از همیشه در صفوف حزب کمونیست کارگری بر ادامه راه آن عزیزان که کمونیسم و رهایی انسان است پای میفشاریم.

اکنون در شرایطی که مردم ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را به صدا در آورده اند. در شرایطی که مردم میخواهند از آخرین دستاوردهای بشر امروز بهره مند شوند. در شرایطی که شما در انتظار پیروزی آرمانهای انسانی عزیزان از دست رفته هستید. جریانی که از کومله جدا شده و خود را "کومله زحمتکشان" نامیده بعد از سرقت اسم کومله میخواهد محبوبیت و جایگاه عزیزان گردان شوان را هم به کیسه خود بریزد. آنها میخواهند کمونیستهای گردان شوان را به جریانی فاشیست و ملت پرست وصل کنند. این توهین به آن عزیزان است. این یک جرم دیگر علیه کمونیستهای گردان شوان است. از شما میخواهیم همصدا با ما اجازه ندهیم که این جنایت دوباره در حق گردان شوان تکرار شود. جمهوری جنایتکار اسلامی ما را از وجود آن عزیزان محروم کرد. اجازه ندهیم که جریان مرتجع مهتدی- ایلخانیزاده از احترام و جایگاه آنها به نفع ارتجاع در کردستان بهره برداری کنند.

تمامی دستگیر شدگان باید آزاد شوند. محاصره اقتصادی مردم فلسطین باید متوقف شود. صلح در خاورمیانه در گام اول مستلزم برسمیت شناختن حق کامل حاکمیت مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطینی است. تنها در این شرایط است که زمینه‌های جنگ طلبی فاشیستی و تروریسم اسلامی از میان برداشته میشوند. تنها در این شرایط است که خاورمیانه میتواند روی آسایش و امنیت را بخود ببیند.

حزب کمونیست کارگری تمامی مردم آزادیخواه را به اعتراضی همه جانبه و گسترده فرا میخواند. باید به این توحش خاتمه داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ مارس ۲۰۰۲

۱- محمد آسنگران: عضو کمیته ناحیه وقت سنندج و مسئول سیاسی گردان شوان
۲- جلال برخوردار (جلال کاکي فرج) : معاون فرمانده گردان شوان
۳- خالد علی پناه: فرمانده یکی از واحدهای گردان شوان
۴- نسرین رمضانعلی: مسئول سیاسی یکی از واحدهای گردان شوان
۵- عبدالله صید مرادی: مسئول سیاسی یکی از واحدهای گردان شوان

هر نوع تبعیض مبارزه کردند. محبوبیت و ارزش این گردان بدلیل نقد و مبارزه و جنگ با گرایش ناسیونالیستی در کردستان و دفاع از انسانیت و جهانشمولی حقوق انسان، دفاع از حقوق کارگران و زنان و دفاع از تغییرات رادیکال و انقلابی در زندگی اجتماعی مردم بود. اکنون جریانی که عاشقانه به صف قوم پرستی پیوسته و با خفت، مشغول پیدا کردن جایی در بین صندلیهای اشغال شده ناسیونالیسم کرد است، جریانی که معمارش جلال طالبانی است، جریانی که با اعمال و سیاستهای فاشیستی پا به میدان گذاشته است، باید جواب درخوری بگیرد. آنها نمیتوانند دستاوردهای کسانی که در نقد ناسیونالیسم و عقب ماندگی و سنتهای عشیرتی معروف و محبوب شده اند، را دستمایه این بازی کثیف خود قرار دهند. این جریان باندسپاهی و دست ساز با هیچ معیاری اجازه سو استفاده از محبوبیت کمونیستها را ندارد. نسبت دادن جانباختگان کمونیست به جریانی فدرالیست و فاشیست علاوه بر بی

زحمتکش جانباختند. آنها بخشی از تاریخ کمونیسم جامعه کردستانند. اما امروز یک باند سیاه فدرالیست ضد کمونیست که خودشان رسماً و بارها تاکید کرده اند که در نفی و تقابل با کمونیسم و تاریخ حزب کمونیست ایران و سازندگان واقعی آن وجود آمده و به روشنی به اهداف کمونیستی گردان شوان پشت کرده، در اوج افلاس سیاسی و اخلاقی، روز جانباختن این عزیزان را به نام روز "جانباختگان سازمان" خود اعلام کرده‌اند. این جرم بزرگی علیه جانباختگان گردان شوان است و باید خنثی شود.

ما به عنوان همزمان و بازماندگان گردان شوان و جمعی از فرماندهان و مسئولین وقت گردان شوان و به عنوان کمونیستهایی که در حیات آن دوره حزب کمونیست ایران دخیل بوده‌ایم علیه جعل تاریخ و این سرقت سیاسی می‌ایستیم و آن را خنثی میکنیم. این عزیزان علیه ارتجاع اسلامی و ناسیونالیسم کرد و عشیره گری و ناموس پرستی و مرتجعین محلی بودند. آنها کمونیستهایی بودند که برای رهایی انسان از

اطلاعیه جمعی از مسئولین و همزمان گردان شوان خطاب به مردم آزادیخواه سنندج و خانواده و بستگان جانباختگان گردان شوان

به اطلاع میرسانیم که باند منشعب از کومله، روز جانباختن رفقای گردان شوان را روز جانباختگان سازمان خود به قول خودشان روز جانباختگان "کومله زحمتکشان" اعلام کرده است. شما مردم آزادیخواه سنندج از نزدیک با گردان شوان و اهداف و سیاستی که تعقیب میکردند آشنا بوده و هستید. فعالیت و پراتیک گردان شوان را به عنوان نیروی مبارز و کمونیست و به عنوان بخشی از نیروی حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان در تقابل با جمهوری اسلامی و ارتجاع ملی و مذهبی شاهد بودید. در یاد و خاطره شما گردان شوان کمونیستهای رزمندهای بودند که نه تنها ربطی به ناسیونالیسم و قوم پرستی و فدرالیسم و ارتجاع نداشتند بلکه برای رهایی انسان و در دفاع از کارگران و مردم

تلفن تماس
۰۰۴۹ ۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵
ای مایل محمد آسنگران
Asangaran@aol.com
ای مایل جلال برخوردار
jbarkh@connection.com

